

# بُعد زیباشناختی

پسندیده است

۹۷۹۵۷۷۷۸۸ شماره کتابخانه ملی - ۷۶۶۶۶ شماره کتابخانه ملی - ۷۶۶۶۶ شماره کتابخانه ملی

۵ - ۱۳۹۵ - ۱۳۹۵

هربرت مارکوزه

داریوش مهرجویی



انتشارات هرمس

# زیباشناسی واقعیت

داریوش مهرجویی

واژه زیباشناسی یا زیبایی‌شناسی یا علم‌الجمال آن‌طور که در زبان فارسی متداول است و معادل واژه Aesthetics به کار رفته، از نظام فلسفی خاصی سخن می‌گوید که کارش کاوش در معنای جمال و شناخت زیر و بم‌های این پدیده است.<sup>۱</sup> با آنکه فلاسفه پیشین اساساً آن را به معنای چیزی «مربوط به حواس» درمی‌یافتند و بر نقش شناختی و معرفت‌بخش (cognitive) آن تأکید می‌کردند، زیباشناسی به عنوان نظامی جداگانه در زمینه علم و فلسفه تا میانه قرن هجدهم جایگاه مشخصی نداشت. فلاسفه پیشین پژوهش‌های خود را در باب زیبایی و هنر همواره به‌طور ضمنی و در حاشیه موضوعات دیگر به عمل می‌آوردند و با آنکه در باب مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، سیاست و اخلاق دستگاه‌های عریض و طویل فکری برپا می‌ساختند، زیبایی را همواره در حاشیه نهاده و به عنوان موضوعی فرعی از آن یاد می‌کردند و نه مستقل و متمایز. تا در میانه قرن هجدهم که الکساندر بومگارتن این واژه را به معنای جدید آن تثبیت کرد و آن را از علم مربوط به حواس به علم مربوط به زیبایی و هنر منتقل کرد و بدین‌سان بدان اهمیت ژرفتری بخشید.<sup>۲</sup> از نظر

۱. در این کتاب همه جا از واژه زیباشناسی و نه زیبایی‌شناسی استفاده کرده‌ام. شخصاً از این آهنگ بی‌بی پشت سرهم خوشم نمی‌آید؛ معمولاً می‌گوییم زیباشناسی، زیباطبی، زیباجویی و نه زیبایی‌سازی، زیبایی‌طلبی و ... در لغت‌نامه دهخدا (ص ۵۵۹) هم آمده است: زیباشناسی: زیبایی‌شناسی. شناختن زیبایی و آن رشته‌ای است از روان‌شناسی، هدف زیباشناسی، شناساندن جمال و هنر است و آن دربارهٔ مجموعهٔ انفعالات و احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و فکاهت و غیره گفتگو کند.

2. H. Marcuse, *Eros and Civilization*, Sphere Books Ltd, First Abacus edition, London, 1972, p. 132.